

تأثیرات جهانی شدن بر فضای کلان شهرها

(قسمت دوم)



زهره هادیانی

عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان
و دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

این شرایط است که پراکندگی فضایی فعالیت‌های اقتصادی نیاز به کارکردهای نظارتی و مدیریتی مرکزی جامع را پدید می‌آورد. نقش راهبردی جهان شهرها در این مورد محرز است. اینک در ادامه به اختصار به تأثیر جهانی شدن بر ساختار اجتماعی و فضایی شهرها با ذکر مثال می‌پردازیم.

۳. تأثیر جهانی شدن بر ساختار اجتماعی و فضایی شهرها [۱]
روند جهانی شدن و اطلاعاتی شدن فرایندهای تولید، توزیع و مدیریت سبب تغییر عمیق ساختار اجتماعی و فضایی جوامع در سراسر کره زمین می‌شود. این صریح‌ترین معنی پیوند بین جهانی و محلی است. اثرات اجتماعی - فضایی این پیوند، بسته به سطوح توسعه کشورهای، پیشینه شهرنشینی آن‌ها، فرهنگ و رسوم آن‌ها متغیر است. در قلب فرایندهای اقتصادی جدید، فعالیت‌های مربوط به امور مالی، بیمه، دارایی، مشاوره، خدمات قانونی، تبلیغات، طراحی، بازاریابی، روابط عمومی، امنیت، اطلاع‌رسانی و مدیریت سیستم رایانه‌ای قرار دارد.

به محض این که یک ناحیه در جهان به اقتصاد جهانی می‌پیوندد، در نتیجه آن، اقتصاد و اجتماع محلی آن‌ها پویا می‌شود، استقرار یک مرکز شهری برای خدمات پیشرفته یک پیش‌نیاز می‌شود،

۲. شهرهای جهانی

شهرهای جهانی^۱ جایگاه‌های مرکزی آن‌گونه خدمات بسیار ارجمند و پرارزش و تأسیسات ارتباطی دوردست^۲ هستند که برای اجرا و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی جهانی ضرورت دارند. در این شهرها، به ویژه شرکت‌هایی که در بیش از یک کشور فعالیت دارند، گرایش به تمرکز دارند. افزایش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و بازرگانی بین‌المللی و همچنین نیازهای ملازم آن‌ها به ارائه خدمات و عرضه امور مالی بود که لزوم تجمع این کارکردها را در شهرهای بزرگ ایجاب و تقویت کرد. نظر به این که دیگر دولت نظیر چند سال پیش که مبادلات بین‌المللی^۳، بیش تر کالاهای بازرگانی بود، نقش اصلی را ایفا نمی‌کند، اکنون برخی از وظایف سازمانی و خدماتی را شرکت‌های خدماتی تخصصی و بازارهای مالی و خدماتی جهانی بر عهده

گرفته‌اند. اکنون قسمت اعظم بزرگ‌ترین بانک‌های جهان و تقریباً تمام شرکت‌های بزرگ جهان در جهان شهرهای ژاپن، ایالات متحده آمریکا و انگلستان استقرار دارند. این امر در مورد تمرکز بازارهای سهام در جهان شهرها هم به چشم می‌خورد. تحت



هتل های لوکس با سیستم های امنیتی مناسب، خدمات منشیگری به زبان انگلیسی، دفاتر حقوقی مشاوره ای و مالی آشنا به آن ناحیه، ادارات دولتی ناحیه ای و محلی قادر به تهیه اطلاعات و زیرساخت لازم برای سرمایه گذاران بین المللی و یک بازار کار محلی با کارکنان دارای مهارت در خدمات پیشرفته و زیرساخت های فناوری سازماندهی می شود. از این رو، وقتی که سواحل روسی اقیانوس آرام - ناحیه ای با توان ها و ظرفیت های گسترده در آینده - شروع به پیوستن به اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۹۰ کرد، اولین گام آن برای این پیوند، ایجاد یک مرکز مدیریت محلی برای شبکه های جهانی در مرکز اقتصادی منطقه ای خاباروسک^۱ بود [۲].

ارتباط جدید روسیه با اقتصاد بازار جهانی، از طریق نقاط ارتباطی گوناگون رو به افزایش است. سواحل روسی اقیانوس آرام، منطقه ای که به طور مرسوم از جریانات جهانی دور بوده و تا سال های اخیر به روی خارجی ها به دلایل راهبردی نظامی بسته بوده است، احتمالاً یکی از مناطقی است که پتانسیل زیادی را برای توسعه در سال های نخست قرن بیست و یکم دارد. به هر حال، گرچه سواحل آسیای اقیانوس آرام برای تبدیل شدن به یک مرکز صنعتی عمده در اقتصاد جهانی و همچنین یکی از مراکز مالی آن و احتمالاً بزرگ ترین بازار آینده، آماده به نظر می رسد، اما یک نقطه ضعف دارد و آن وابستگی شدید به ذخایر خارجی انرژی و منابع طبیعی است. این وابستگی، که هم اکنون در مورد ژاپن مشهود است، با توسعه چین و تقاضای این کشور برای منابع انرژی، بیش از آنچه که خود دارد و حتی بیش از ظرفیت های تولیدی عرضه کنندگان عمده فعلی انرژی به این کشور، خصوصاً اندونزی، بیش تر نمود پیدا خواهد کرد. سواحل روسی اقیانوس آرام و ماورای سبیری، به عنوان منطقه ای مستعد و ممتاز که قادر به عرضه منابع (گرچه در وسعت آن ها شکی نیست، اما ندرتاً تاکنون کشف شده اند) به شکل گاز طبیعی، نفت، زغال سنگ، مواد معدنی نادر با اهمیت راهبردی و صنعتی، چوب، ماهی و طیف وسیعی از مواد خام که ضرورتاً مورد نیاز کشورهای آسیایی برای فرایند توسعه شتابان آن هاست، ظاهر خواهد شد.

در نتیجه طی دهه ۱۹۹۰، به محض این که سواحل روسی اقیانوس آرام به روی ارتباطات بین المللی و سرمایه گذاری خارجی گشوده شد، شرکت های زیادی از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، ایالات متحده آمریکا و چین، با تشویق و حمایت های دولت های محلی که بین خود برای جذب سرمایه گذاری های خارجی رقابت می کردند، فعالیت در منطقه را شروع کردند. خاباروسک، شهری با ۶۰۰ هزار سکنه و یک بندر قدیمی در رودخانه آمور، به مرکز اصلی ارتباط با دنیای بیرون مبدل شد، زیرا در آن زمان تنها این شهر در ناحیه دارای فرودگاه بین المللی با پروازهای منظم به «انکوريج»^۵، «نیگاتا»^۶، «سئول»^۷ و «هاریین»^۸ بود.

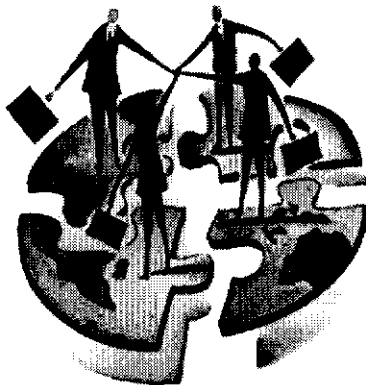
در سال ۱۹۹۲، دولت ایالتی خاباروسک سازماندهی

زیرساخت های لازم، همچون هتل هایی با استانداردهای بین المللی، خدمات چندزبانی برای شرکت ها، ارتباطات ماهواره ای، مراکز تجاری مجهز به سیستم های رایانه ای و خدمات دبیرخانه ای و منشیگری، خدمات سیاحتی و راهنمای گردشگری برای بازدیدکنندگان خارجی، و یک شبکه بانکداری و خدمات مالی برای خوشامدگویی به سرمایه گذاران خارجی را شروع کرد. نخستین سرمایه گذاری خارجی در حقیقت اقدام مشترکی بود بین شرکت های خدماتی با دولت ایالتی و سرمایه گذاری های عمومی در زمینه فراهم آوردن زیرساخت های عملیاتی مورد نیاز شرکت های خارجی. تا سال ۱۹۹۵، تعداد ۳۱۰ شرکت با مشارکت سرمایه خارجی شامل کارخانجات عظیم موتناژ تولیدیون متعلق به شرکت کره ای گلداستار، در خاباروسک مشغول فعالیت و داد و ستد بودند. در سال ۱۹۹۴، ارزش صادرات منطقه به سایر کشورهای آسیایی به ۱۵۰ میلیون دلار بالغ شد.

به هر حال، علاقه اصلی سرمایه گذاران خارجی در خاباروسک، فراهم کردن زمینه های لازم برای حضور و ایجاد ساختار مدیریت به منظور شروع فعالیت های تولیدی در آینده ای نزدیک در قلمروی وسیع تری فراتر از خود خاباروسک، شامل نفت و گاز در اقیانوس در نزدیکی ساخالین، بزرگ ترین جنگل های روسیه خاوری و معادن عظیم و منابع فلزات گرانبهای سبیری غربی، خصوصاً یاکوتیا می باشد. برخی از نواحی که تولیدکننده های بالقوه این مواد خام هستند، از خاباروسک فاصله زیادی دارند و پیوند این بخش از جهان به عنوان یک کل به اقتصاد جهانی، مستلزم وجود یک مرکز مدیریت و ارتباط است تا از طریق آن بتواند، مجموع تولید فعلی در حال شکل گیری را کنترل کند و اطلاعات و سرمایه لازم را تهیه و تصمیم سازی را نظام مند سازد.

اگرچه سایر مراکز مانند «ولادی وستوک»^۹ یا «ناهودکا»^{۱۰} نیز می کوشند تا به مرکز اتصال با شبکه جهانی تبدیل شوند، اما خاباروسک سریع تر این نقش را بر عهده گرفت و با وجود فرودگاه، نقطه ورود آشکار در منطقه بود. خاباروسک همچنین اولین فراهم کننده شبکه خدمات و ارتباطات برای کمک به مدیریت بر سرمایه گذاری خارجی و جریان سرمایه، فناوری اطلاعات و مواد خام بود که از طریق آن، اساس مادی تسلط جهانی آینده بر سواحل آسیای اقیانوس آرام در اقتصاد جهانی بنا نهاده می شود [۳].

به طور مشابه، وقتی که مکزیک از طریق «توافقتنامه تجارت آزاد»^{۱۱} با اقتصاد آمریکای شمالی کاملاً ادغام شد و به دنبال آن، به اقتصاد جهانی پیوست، بخش فدرال کارکردهای مدیریتی و هماهنگی های بین المللی خود را تقویت کرد و ساختار فضایی خود را عمیقاً در راستای آن کارکردها تغییر داد [۴]. بنابراین، ۸ بانک از ۱۵ بانک فعال در مکزیک و ۱۶ شرکت از ۲۲ شرکت واسطه، در بخش مالی که در اطراف Paseo de la Reforma به طرف غرب



در واقع، نیمه اول دهه ۱۹۹۰، وقتی که مراکز شهری به وسیله گسترش تجارت جهانی خود شدیداً توسعه یافتند، شهرهایی مثل بانکوک، تایپه، شانگهای، بوینس آیرس، یابوگاتا، و همچنین به طور همز

شهرهای مادرید که دوران طلایی جهانی شدن

خود را بین سال‌های ۹۰-۱۹۸۶ تجربه کرد، نیویورک، لندن و پاریس دچار رکود شدیدی در بازارهای دارایی خود شدند که ناشی از توسعه بیش از اندازه پروژه‌های شهری آن‌ها و طبیعت بورس بازی و دارای خطر سرمایه‌گذاری در خدمات و ساختمان بود. زمانی که اقتصاد مکزیک در سال ۱۹۹۴ سقوط کرد، رکود در بازارهای مالی و دارایی در مکزیکوسیتی به واکنش منفی در بوینس آیرس منجر شد و هر دو بازار مالی نوظهور، تحت تأثیر ترس سرمایه‌گذاران بورس باز بین‌المللی قرار گرفتند.

بی‌ثباتی توسعه مراکز شهری، وابستگی کامل امروزه شهرها را به جریان‌های غیرقابل کنترل سرمایه‌گذاری جهانی نشان می‌دهد. بنابراین، اگر فناوری‌های اطلاعاتی جدید قادر باشند، مراکز را که در فضا پراکنده‌اند، اداره کنند، چرا جهان به سازماندهی به شکل یک شبکه از مراکز مدیریتی بر مبنای انباشت خدمات در فضای محدود، اشباع شده و بسیار گران بخش‌های تجاری ادامه می‌دهد؟ با توجه به تحقیقات انجام یافته و داده‌های موجود است که ساسکیا ساسن به سال ۱۹۹۱ فرضیه متقاعدکننده‌ای را مطرح می‌کند:

«ترکیب پراکندگی فضایی و یکپارچگی جهانی، نقش راهبردی جدیدی را برای شهرهای بزرگ به وجود آورده است. فراتر و بالاتر از سابقه طولانی آن‌ها به عنوان مراکز بین‌المللی مالی و تجاری، این شهرها اکنون در چهار مسیر جدید عمل می‌کنند: اولاً به عنوان نقاط جهت‌دهنده سازماندهی اقتصاد جهانی؛ ثانیاً به عنوان مکان‌های کلیدی برای شرکت‌های مالی و خدماتی تخصصی؛ ثالثاً به عنوان مکان‌های تولید، شامل تولید نوآوری در این بخش‌های [خدماتی] پیشرفته؛ و رابعاً به عنوان بازارهایی برای محصولات و نوآوری‌های آفریده شده.»

بخش‌های تجاری شهرهای بزرگ مجموعه‌های مولد ارزشمندی هستند که روی تولید و پردازش اطلاعات متمرکز هستند و در آن‌ها، ادارات مرکزی شرکت‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند، هم عرضه‌کنندگان مورد نیاز و هم کارکنان ماهری را که احتیاج دارند، بیابند. انعطاف این سیستم مولد، مستلزم شکل‌گیری واسطه‌ای است که فراهم‌کننده تمرکز فضایی بالایی از منابع، شامل منابع انسانی باشد؛ نیروی کاری که به صورت همیشگی در خدمت یک شرکت نباشد، بلکه بیش‌تر به هنگام نیاز و طبق تقاضا و برای

«زاکالو»^{۱۲} (مرکز تاریخی) پدید آمد، قرار دارند. پروژه‌های جدید توسعه دارایی، مانند مجموعه «سانتافه»^{۱۳}، در منطقه‌ای ویژه به وسعت ۶۵۰ هکتار برای ادارات مرکزی شرکت‌هایی مانند «هیلوت پکارد»^{۱۴}، «سیفر اگروپ»^{۱۵} و «تله‌ویزا»^{۱۶} به اجرا درآمدند و دوازده فروشگاه مجلل، هتل و اقامتگاه‌های سطح بالا فراهم شدند. در بخش فدرال به عنوان یک کل، چندین هتل بین‌المللی جدید، به همراه صدها هزار مترمربع فضای اداری سطح بالا و یک ساختمان جدید برای بورس سهام ساخته شد [۵]. مدرنیزه کردن ارتباطات دوربرد مکزیک، خصوصاً بخش بین‌المللی و مرکز ماهواره‌ای، به همراه گسترش سیستم‌های رایانه‌ای، ظرفیت مدیریت آبی اقتصاد نیومکزیکو در چرخه جهانی را افزایش داد [۶]. شگفت‌آور این که درست این یکپارچگی مالی و فناوریانه بود که مانع ورشکستگی کشور در سال ۱۹۹۴ شد.

در مورد اروپا، مطالعه انجام شده توسط کاپلین^{۱۷} در سال ۱۹۹۱ روی شبکه‌های خدماتی در شهرهای اروپا نشان‌دهنده افزایش همبستگی و طبیعت مکمل مراکز شهری متوسط است. براساس این مطالعه:

«اهمیت نسبی روابط بین شهر و ناحیه، با در نظر داشتن روابطی که شهرهای مناطق یا کشورهای گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد، رو به کاهش است... فعالیت‌های جدید روی قطب‌های معینی متمرکز می‌شوند. این کار به ناهمگونی و تفاوت فزاینده بین قطب‌های شهری و حوزه نفوذ آن‌ها می‌انجامد» [۷].

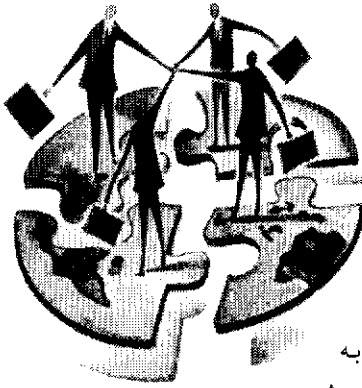
برخی از نظرات معماری جدید مربوط به روابط اقتصادی بین شهری را می‌توان از بررسی‌های مایکلسون و ویلر^{۱۸} در سال ۱۹۹۴ پیرامون «ترافیک پست تجاری»، با استفاده از داده‌های شرکت بین‌المللی آمریکایی «فدرال اکسپرس» دریافت. این بررسی‌ها از یک سو به برتری نیویورک و لوس آنجلس ایالات متحده آمریکا و از سوی دیگر به وجود جریان‌های ارتباطی بین‌المللی ممتاز در ترافیک نامه‌های تجاری اشاره دارند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که: «تمامی شاخص‌ها بیانگر تقویت ساختار اعمال نظارتی هستند که تعیین‌کننده تبادل اطلاعات است... تمرکز محلی اطلاعات، ریشه در سطوح بالای تردید ناشی از تغییرات فناوری، فقدان ظرفیت بازار و آزادگذاری و جهانی شدن بازار دارد. اما همچنان که عصر نوین [اقتصادی] توسعه می‌یابد، اهمیت انعطاف به عنوان سازوکار اساسی مدیریت و اهمیت اقتصادی تجمع به عنوان یک نیروی مکانی برتر، تداوم خواهد یافت. اهمیت شهر به عنوان مرکز ثقل مبادلات اقتصادی از بین نخواهد رفت، اما با تدوین مقررات و قواعد آبی بازارهای بین‌المللی... و تردید کم‌تر در مورد قوانین بازی اقتصادی و بازیکنان آن، تمرکز صنعت اطلاعات آهسته‌تر خواهد بود و عناصر تولید و توزیع [اطلاعات] به سوی سطوح پایین‌تر سلسله مراتب شهری بین‌المللی حرکت خواهند کرد» [۸].

۳۰ ابرشهر (=کلان شهر) جهان به ترتیب رتبه در سال ۲۰۱۰: رشد و سهم آن‌ها از جمعیت شهری کشورها

رتبه	رتبه کلان شهرها در سال ۲۰۱۰	جمعیت (به میلیون)	درصد جمعیت از جمعیت شهری کشور	جمعیت (به میلیون)	درصد جمعیت از جمعیت شهری کشور	میانگین نرخ رشد سالانه ۱۹۹۵-۲۰۰۰
۱	توکیو	۲۵	۲۶,۲۴	۲۸,۹	۲۷,۱۴	۰,۸۲
۲	سائوپائولو	۱۸,۱	۱۶,۱۶	۲۵	۱۵,۰۸	۱,۷۷
۳	بمبی	۱۲,۲	۵,۶۶	۲۴,۴	۶,۰۷	۳,۶۸
۴	شانگهای	۱۳,۴	۴,۴۵	۲۱,۷	۳,۵۸	۲,۷۶
۵	لاگوس	۷,۷	۲۰,۲۹	۲۱,۱	۲۰,۹۱	۵,۴۱
۶	مکزیکوسیتی	۱۵,۱	۲۴,۶۰	۱۸	۱۸,۶۴	۰,۸۰
۷	پکن	۱۰,۹	۳,۶۰	۱۸	۲,۹۷	۲,۸۹
۸	داکا	۶,۶	۳۵,۲۰	۱۷,۶	۳۲,۵۶	۵,۳۰
۹	نیویورک	۱۶,۱	۸,۵۴	۱۷,۲	۷,۲۳	۰,۳۹
۱۰	جاکارتا	۹,۲	۱۷,۳۵	۱۷,۲	۱۵,۷۷	۳,۴۹
۱۱	کراچی	۷,۹	۲۱,۰۱	۱۷	۱۸,۹۴	۳,۹۴
۱۲	مترومانیلا	۸,۹	۳۳,۳۲	۱۶,۱	۳۲,۲۴	۳,۲۵
۱۳	تیانجین	۹,۲	۳,۰۶	۱۵,۷	۲,۵۹	۳,۰۴
۱۴	کلکته	۱۰,۷	۴,۹۷	۱۵,۷	۳,۹۱	۱,۶۵
۱۵	دهلی	۸,۲	۳,۷۸	۱۵,۶	۳,۸۸	۳,۳۶
۱۶	لوس آنجلس	۱۱,۵	۶,۰۹	۱۳,۹	۵,۸۴	۱,۱۶
۱۷	ستول	۱۱	۳۵,۰۹	۱۳,۸	۳۲,۴۱	۰,۹۲
۱۸	بوینس آیرس	۱۱,۴	۴۱,۱۴	۱۳,۷	۳۷,۵۷	۱,۰۲
۱۹	قاهره	۸,۶	۳۷,۴۸	۱۳,۴	۳۳,۳۸	۲,۱۷
۲۰	ریودوژانیرو	۱۰,۹	۹,۷۶	۱۳,۳	۸,۰۵	۰,۹۵
۲۱	بانکوک	۷,۱	۵۸,۳۴	۱۲,۷	۵۲,۱۰	۳,۰۶
۲۲	تهران	۶,۷	۲۰,۰۹	۱۱,۹	۱۶,۳۷	۲,۹۳
۲۳	استانبول	۶,۵	۱۹,۰۷	۱۱,۸	۱۸,۱۴	۳,۵۳
۲۴	اوزاکا	۱۰,۵	۱۱	۱۰,۶	۹,۹۵	۰
۲۵	مسکو	۹	-	۱۰,۴	-	۰,۶۹
۲۶	لیما	۶,۵	۴۳,۰۵	۱۰,۱	۴۱,۲۶	۲,۴۳
۲۷	پاریس	۹,۳	۲۲,۶۵	۹,۶	۲۰,۸۷	۰,۱۵
۲۸	حیدرآباد	۴,۱	۱,۹۱	۹,۴	۲,۳۴	۴,۴۸
۲۹	لاهور	۴,۲	۱۱,۰۵	۸,۸	۹,۸۳	۳,۸۶
۳۰	مدرس	۵,۳	۲,۴۴	۸,۴	۲,۰۸	۲,۱۳

مأخذ: United Nations (1993) در:

Fu-chen lo and Yue-man Yeung, ed. (1998): Globalization and the world of large cities, United Nations University press, Tokyo, New York, Paris.



۴. دگرگونی ساختار فضایی شهرها

مجموعه ویژگی‌های اطلاعاتی شدن^{۲۰} و جهانی شدن دوره تاریخی ما، و دگرگونی ساختارهای مولد خدماتی و صنعتی که به آن‌ها اشاره کردیم، به دگرگونی عمیقی در ساختار فضایی شهری

منتهی می‌شود. به هر حال، فرایندهای اقتصادی و فناورانه‌ای که مبنای این دگرگونی آمیخته با تاریخ، فرهنگ و نهادهای هر کشور، منطقه و شهر را می‌سازند، سبب تنوع فراوان در مدل‌های فضایی می‌شوند. به اعتقاد ما، شکل‌گیری ابرشهرها (= کلان‌شهرها^{۲۱}) و مناطق شهری خصوصاً در کشورهای جدید صنعتی شده، به مهم‌ترین پدیده شهری در قرن ۲۱، منجر خواهند شد. این موضوع یکی از مهم‌ترین بحث‌های جغرافیای شهری و جامعه‌شناسی شهری است؛ به ویژه این که تهران نیز در آینده نزدیکی یکی از این ابرشهرها می‌شود. جهان ما در سال ۲۰۱۰ شاهد ۳۰ انبوهکده بزرگ شهری (= کلانشهرها در جدول صفحه قبل) خواهد بود که در طول قرن ۲۱ میلادی تعداد و وضعیت آن‌ها به مراتب بیش تر و پیچیده تر خواهد شد.

۵. سود و زیان جهانی شدن: ابزارهای مورد نیاز جهانی شدن
رویدادهای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بیانگر آن است که همه جمهوری‌های سابق این کشور در سلک کشورهایی درآمده‌اند که نظام سرمایه‌داری را پذیرفته‌اند و در راه اداره امور اقتصادی و سیاسی کشورهای خود به شیوه‌های سرمایه‌داری روی آورده‌اند. ظاهراً تنها چین و کوبا به نظام سوسیالیستی خاص خود وفادار مانده‌اند و به طوری که پیداست، آن‌ها هم به تدریج در راه دگرگون کردن سوسیالیسم و پیوستن به قافله سرمایه‌داری‌اند. از این رو، سرنوشت نظام اجتماعی-اقتصادی و سیاسی قرن ۲۱ کره زمین سرمایه‌داری است و طبعاً با انواع و اقسام و درجات متفاوتی از تکامل سرمایه‌داری سروکار خواهیم داشت. سرشت سرمایه‌داری، انباشت ثروت از طرق گوناگون است، اما نباید اطمینان کرد که از راه گسترش و تعمیق سرمایه‌داری آزادی، دموکراسی و امنیت حقوقی تضمین شود. برانگیزنده و نیروی محرکه بازرگانی، سود است. مدیریت سرمایه‌داری برای این پدیده نیامده است که از اصول اخلاقی جهانی حمایت کند، بلکه خصلت سرمایه‌داری همه چیز را در خدمت سرمایه‌داری و انباشت ثروت می‌گیرد. حتی حفظ بازار نیازمند چیزی بیش از سود شخصی است.

بازیگران بازار رقابت می‌کنند تا سود ببرند. این‌ها اگر می‌توانستند، حتی رقابت را هم به کلی از میان برمی‌داشتند. کارتل‌ها

پروژه‌های شرکت مورد استفاده قرار گیرد. انعطاف و انطباق سیستم مولد جدید بر مبنای ترکیب تراکم کارکردها و کارکنان در مراکز یک شبکه جهانی و اتصال یک دسته از کارکردهای ثانویه به این مراکز که در اطراف یک منطقه، کشور و سیاره زمین پراکنده شده‌اند و به وسیله سیستم‌های سریع حمل و نقل، سیستم‌های رایانه‌ای و ارتباطات راه دور به یکدیگر مرتبط می‌شوند، میسر می‌شود [۹]. وقتی این فعالیت‌ها در مراکز کلان شهری متمرکز شوند، عوامل گوناگونی برای حفظ این تمرکز مشارکت می‌کنند. همه این عوامل با هم ترکیب می‌شوند تا شهرها را به مکان‌های کار و اقامت نخبگان حرفه‌ای و اجتماعی و مدیران اقتصادی جهان مبدل سازند.

با وجود این، علاوه بر تمرکز مدیریتی در مراکز مادر شهرهای بزرگ، یک شبکه پراکنده مرتبط برای مدیریت خدمات، در بخش‌های حاشیه‌ای مادر شهرها و در مراکز مادر شهری منطقه‌ای کوچک‌تر، استقرار یافته است. مراکز مدیریت ثانویه در آمریکا (مانند آتلانتا یا اواماها)، در اروپا (مانند بارسلونا، نیس، اشتوتگارت یا بریستول) و در آسیا (بمبئی، بانکوک یا شانگهای) ظهور کرده‌اند. بخش‌های حاشیه‌ای مادر شهرهای بزرگ مملو از فعالیت‌های خدماتی پیشرفته هستند. در برخی موارد، مراکز مدیریتی جدید در سایه مرکز شهر تأسیس شده‌اند. «لادوفونس»^{۱۹} در پاریس بهترین مثال در این زمینه است. به طور کلی، اغلب فعالیت‌های خدماتی که از مراکز به بخش‌های حاشیه‌ای انتقال می‌یابند، عبارتند از کارهای روزمره اداری مرتبط با پردازش خودکار اطلاعات در مقیاس بالا که کارکنان زن غیردائم با حقوق پائین را به خدمت می‌گیرند. آنچه در فرایند فضایی توصیف شده اهمیت دارد، تمرکز یا پراکندگی فعالیت‌ها نیست، بلکه ارتباط بین این دو روند است؛ یعنی برقراری یک شبکه از مجموعه‌های تولید خدمت با سازماندهی به هم وابسته و دارای سلسله مراتب که با جریان‌های اطلاعاتی مخابره شده از راه دور کار می‌کند.

به طور خلاصه، جهانی شدن اقتصاد، و به خصوص خدمات پیشرفته‌ای که سیستم را به عنوان یک کل، سازماندهی و اداره می‌کنند، به پراکندگی فضایی کارکردها و همین‌طور تمرکز انحصاری کارکردهای مدیریتی در تعداد محدودی نواحی مادر شهر منتهی نمی‌شود. شهر جهانی، نیویورک، لندن یا توکیو نیست، حتی اگر آن‌ها مهم‌ترین مراکز مدیریتی سیستم باشند. شهر جهانی، شبکه‌ای از مراکز شهری در سطوح متفاوت و با کارکردهای گوناگون است که روی سراسر سیاره زمین گسترده شده‌اند. این شبکه به عنوان مرکز عصبی اقتصاد جدید، در یک سیستم درهم‌کنش با ابعاد متفاوت عمل می‌کند که شرکت‌ها و شهرها باید به طور پیوسته و با انعطاف، خود را با آن سازگار کنند. سیستم شهر جهانی یک شبکه است و نه یک هرم و تغییر روابط با توجه به این شبکه، در حد وسیعی، سرنوشت شهرها و شهروندان را تعیین می‌کند.

و تراست‌ها برای انحصار و حذف رقابت هستند و امپریالیزم را آخرین مرحله سرمایه‌داری دانسته‌اند. امپریالیزم روز به روز بر دامنه انحصارات و جهانی شدن اقتدار سرمایه‌داری می‌افزاید. از این روست که نمی‌توان آزادی، دموکراسی و امنیت حقوقی را به حمایت نیروی بازار سرمایه‌داری سپرد. ما برای تأمین آزادی، دموکراسی و امنیت حقوقی، به نهادهای بین‌المللی تضمین‌کننده این حقوق اساسی بشر نیازمندیم.

به طور سنتی، وظیفه دولت‌های ملی حمایت از منافع جامعه بود، اما نفوذ دولت‌ها به تدریج کم‌رنگ شد و در عین حال، بازارهای سرمایه گسترش یافتند. اینک سرمایه می‌تواند، دولت‌ها را که اداره‌کننده و تنظیم‌کننده امورند، دور بزند و این دولت‌ها هستند که باید به شرایط سرمایه‌گردن نهند. البته از بسیاری جهات، جهانی شدن سرمایه مثبت است. مثلاً رقابت آزاد بیش‌تر تولید ثروت می‌کند تا کنترل‌های دولتی. به علاوه، از این که دولت‌های ملی از قدرت خود سوءاستفاده کنند، جلوگیری می‌کند و از این‌رو درجه‌ای از آزادی را فراهم می‌آورد که دولت‌ها نمی‌توانند نظیر آن را ارائه کنند. با این حال، جهانی شدن جنب منفی نیز دارد. مثلاً بازارهای مالی ناپایدارند و رقابت آزاد، نابرابری‌های ملی و جهانی را ایجاد و تشدید می‌کند. متأسفانه مؤسسات بین‌المللی موجود، مثل سازمان ملل متحد، برای حمایت از این منافع و علاقه‌های جهانی نامناسب هستند. این مؤسسات مجمع نمایندگان دولت‌ها هستند و دولت‌ها بی‌محابا از منافع خاص خود دفاع می‌کنند. زبان‌های بوروکراسی دولتی کشورها، در قالب بوروکراسی مؤسسات بین‌المللی نیز بیش‌تر و بیش‌تر می‌شوند.

برخوردهای جهان کنونی، دیگر بین کشورها روی نمی‌دهند، بلکه در درون کشورها جریان دارند. برای انسان‌هایی که در یک رژیم زورگوز زندگی می‌کنند، در چارچوب نگرش سیاستمداران جهان غرب، حمایت بیرونی تنها راه نجات است. به نظر آن‌ها کشورهای دموکراتیک، آسیب‌های وارده به حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد را در مقیاس وسیع تحمل نمی‌کنند. از این‌رو خود را موظف می‌دانند، وارد معرکه برخوردهای محلی شوند؛ همان‌گونه که اخیراً در یوگسلاوی گذشت و یوگسلاوی را به راه دموکراسی آورد. اما این مداخلات، اثرات زیانبار جانی ناخواسته‌ای پدید می‌آورد. بنابراین پیشگیری از بحران را باید به طور قطع بر مداخله برتری داد.

بهترین راه پیشگیری از بحران، تقویت و توسعه «جامعه‌های باز»^{۲۲} است. در جامعه‌های باز انسان‌های دارای عقاید، خاستگاه و منافع گوناگون می‌توانند با یکدیگر در آزادی، همزیستی مسالمت‌آمیز کنند. از این‌رو برخی جامعه‌های دارای دموکراسی استوار را توصیه می‌کنند تا مشترکاً جامعه‌های باز را در کشورهای کم‌تر توسعه یافته، توسعه دهند. آمارتیا سن^{۲۳} برنده جایزه نوبل، به

درستی می‌گوید: توسعه را باید با آزادی سنجد و نه با تولید ناخالص ملی.

نظام جهانی سرمایه‌داری عرصه بسیار نامتوازی را در جهان پدید آورده است، به طوری که فاصله بین فقیر و غنی دائماً بیش‌تر می‌شود. باید راه‌هایی برای مقابله با این امر جست‌وجو شود. آخرین تغییرات ساختار مالی جهانی متعاقب بحران مالی بین‌المللی، منحصرأ در چارچوب اصل بزرگی بازار عمل می‌کند. اما این کار کافی نیست. بازار مالی جهانی نیاز به بانک مرکزی جهانی یا نهادهای مالی بین‌المللی و مانند آن دارد تا بتواند، بازارهای مالی جهانی را در حالت و شرایط مساعد نگه دارد. لازمه گسترش دموکراسی در تک‌تک کشورها و نیز در سطح جهان، اتحاد جامعه‌های باز با یکدیگر است. این کار باید همراه با کمک‌های عمرانی و نیز تأسیس بانک مرکزی بین‌المللی و سازمان عمران انجام گیرد. باید جنبش ایجاد جامعه باز جهانی را پدید آورد و قدم‌های مشخصی در این راه برداشت.

۶. جمع‌بندی

هر ساله دو اجلاس مهم جهانی درباره جهانی شدن و ضدجهانی شدن برگزار می‌شود: یکی اجلاس «داووس» است که همواره از بدو تأسیس، موافق جهانی شدن بوده است، و دیگری اجلاس سران ضدجهانی سازی^{۲۴} است. پیرامون اجلاس داووس، امسال نیز تظاهرات ضدجهانی سازی برقرار بود. برخی از شخصیت‌ها و پژوهشگران برجسته اسلامی نیز جهانی شدن را، نظیر مواضع مارکسیست‌های سابق، پدیده‌ای منفی می‌دانند. محمود ایوب، پژوهشگر برجسته اسلامی، جهان‌گستری را به این صورت تعریف کرده است: «می‌گویند که اکنون در دهکده‌ای جهانی زندگی می‌کنیم. چنانچه این حرف درست باشد، فرایندی است منفی. جهان‌گستری آخرین مظهر امپریالیسم غربی است»^[۱۰].

سخنگوی جنبش اسلامی جوانان در مالزی نیز اعلام می‌کند: «جهان‌گستری در واقع صورتی از جهان‌خواری است که به وسیله آن، اقتصادهای مسلط غربی به راحتی می‌توانند همه ما را فروبیلعند، به اسطوره حاکمیت ملی برای همیشه پایان دهند، و مبارزه همه مردم جهان سوم را - مردمی که می‌خواهند بر مقدرات خود حاکم باشند - به سخره بگیرند. اگر قرار است یک جهان تحقق یابد، باید جهان مردم باشد، نه جهان خدایان و بندگان»^[۱۱].

اما واقعیت این است که روند جهانی شدن گسترش و تعمیق پیدا می‌کند و جهان‌شهرها، گره‌گاه‌های مهم ارتباطات و غنای جهانی شدن هستند. شبکه‌های رسانه‌ای و شبکه ارتباطات همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فضایی پیوسته تارهای عتکبوتی خود را به صورت امواج الکترونیک و مواصلات عظیم هوایمایی و راه‌های دریایی، هوایی و خشکی به شدت گسترش می‌دهند،



نمی‌توان برای جهانی شدن و جهانی سازی اقتصادی و چگونگی تأثیرات آن بر ترکیب مادی و معنوی هویت ملی در جامعه ما، توضیحی علمی ارائه کرد... جهانی شدن و جهانی سازی دموکراتیک در دفاع از آزادی و

دموکراسی، بر اساس صیانت از حق حیات و حرمت انسانی و حاکمیت و مالکیت جامعه، بدیلی با پایگاه اجتماعی وسیع مردمی علیه جهانی شدن و جهانی سازی سرمایه داری است» [۱۶].

زیرنویس

1. global cities	2. Telecommunication
3. Transactions	4. Khabarovsk
5. Anchorage	6. Niigata
7. Seoul	8. Harbin
9. Vladivostok	10. Nahodka
11. Free Trade Agreement	12. Zacalo
13. Santa Fe	14. Hewlett Packard
15. Cifra Group	16. Televisa
17. Cappelin	18. Michelson & Wheeler
19. La Defense	20. Informationalization
21. Megacities	22. open societies
23. Amartya Sen	24. Anti-globalisation Summit

منابع

۱. با استفاده از فصل دوم کتاب: Borga, Jordi & Castells, Manuel (1996): Local & Global, Management of Cities in the Information Age, UK, London, pp. 16-27.
۲. همان، ص ۱۶ و ۱۷.
3. Kiselyova, E., M. Casells and A. Granbrg (1996): The Missing Link: Siberian Oil and Gas in the Pacific Economy research monograph, University of California, Berkeley.
4. Gamboa de Buen, J (1994): Ciudad de México: Una Visión Fondo De Cultura Económica, Mexico City.
5. Araneta, F (1995): Mexico City in the Global Economy Department of City and Regional Planning, University of California, Berkeley.
6. Skezely, G (1993): "Mexico's international strategy: looking east and west", توکلی، زهره. جهانی شدن: فرصت‌ها و چالش‌های فرارو، گزارشی از همایش هویت ملی و جهانی شدن، دانشگاه تهران، ۴ و ۵ خرداد ۱۳۸۳. فرهنگ و پژوهش. شماره پیاپی ۱۵۳. سه شنبه ۹ تیر ۱۳۸۳. ص ۸-۹.

به طوری که «شبکه‌های ارتباطی امروز کوچک‌ترین سلول‌های جامعه، یعنی انسان‌ها را بدون واسطه دولت‌ها و حکومت‌ها مورد خطاب قرار می‌دهند. به این دلیل، مدارات جدید توزیع قدرت و اطلاعات ترسیم می‌شوند که دولت‌های جهان سوم آن‌ها را مغایر با امنیت خود می‌دانند» [۱۲].

یکی از زیان‌های ناشی از جهانی شدن، ایجاد فقر متمرکز به ویژه در شهرهای بزرگ جهان سوم است. اما مهم‌ترین آسیب جهانی شدن، جریان تروریسم ارتباطی است، بدین معنی که با ابقای انبوه اطلاعات، جوامع را در حالت بی‌تصمیمی قرار می‌دهند و از این‌رو خطر انبوه اطلاعات با خطر بی‌اطلاعاتی یکسان است [۱۳]. به هر حال، علاوه بر قسمت‌هایی از جهان که در قلمروی مستقیم جهانی شدن هستند (اروپا، آمریکا، شرق و جنوب شرق آسیا، شرق روسیه و جهان‌شهرهایی از قاره‌های آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا)، مناطقی نیز در جهان وجود دارند که هنوز تحت سیطره جهانی شدن اقتصادی قرار ندارند (مثل کشورهای بسیار فقیر و بیماری‌زده قلب آفریقا، از جمله رواندا، بروندي، بورکینافاسو و کشورهای آسیای مرکزی) و تلاش گسترده‌ای برای کشاندن آن‌ها به حلقه جهانی شدن توسط کشورهای بزرگ صنعتی انجام می‌گیرد.

واقعیت این است که روند جهانی شدن در تار و پود جهان غرب و شرق رخنه کرده است و به‌طور سرسام‌آوری کشور ما، به ویژه تهران و شهرهای بزرگ دیگر را، در شبکه خود قرار می‌دهد. راهبرد درست عبارت از کاربرد صحیح عقل در جهان عقلانیت است که مشارکت خلاق در چارچوب مصالح و منافع ملی را می‌طلبد: «با توجه به این که جهانی شدن نه اجازه می‌گیرد و نه می‌توانیم آن را صددرصد بپذیریم، هنر نخبگان جامعه ما مدیریت بحران به معنی تبدیل تهدیدها به فرصت است. در غیر این صورت، در جامعه ما که در حال گذار به یک جامعه کثرت‌گرا و پلورال است، تلاطمات هویتی بسیار شدیدی را شاهد خواهیم بود... اگر مدعی هستیم که تمدن چند هزار ساله داریم، باید امروز با تولید فکر و اندیشه، روند جهانی شدن را بومی کنیم؛ وگرنه کسی برای تاریخ‌سازی از ما اجازه نمی‌گیرد و به قول داریوش شایگان دیری نمی‌پاید که ما به تعطیلات خواهیم رفت» [۱۴].

به نظر حسین بشیریه نیز چنین می‌رسد که: «فشارها و فرایندهای جهانی شدن خواه‌ناخواه مقاومت‌های فرهنگی و سیاسی را در کشور تضعیف می‌کند و چاره‌ای جز پذیرش نظم نوین باقی نمی‌گذارد» [۱۵]. اما نظر شاپور رواسانی در سخنرانی «جهانی شدن و اقتصاد» شایسته توجه دقیق در تحلیل فرایند جهانی شدن و راه جست‌وجوی بدیل آن است: «بدون شناخت امپریالیسم سرمایه داری و توجه به این حقیقت که شیوه تولید سرمایه داری محتوای اقتصادی و اجتماعی جهانی شدن و جهانی سازی است و بدون شناخت شیوه تولید در جامعه ما،